

وجود کسب خود از شعر و شاعری نکندم

چومن اگرچه کم افتند ناظم اشعار

نشسته بر سر گنج قناعتم شب و روز

نه من ز کس نه کس از من همی برد تیمار

برخی ابیات مینمایاند که بر این دردهای معنوی درد جسمانی هم پیوند بوده

و هم مانند پدرش از درد چشم شبهانی غنوده چنانکه گوید:

جانم ز درد چشم بجان آمد از عذاب

یارب چه دیدخواهم از این چشم در دیاب

گویند مشک ناب شود خون بروزگار

دیده بچشم خویش که شد مشک خون ناب

کمال الدین در مرثیه پدر هم قصیده‌ای مؤثر ساخته که مطلع آن اینست:

من سر بافتاب و فلک در نیاورم گریغ آفتاب زند چرخ بر سرم

همام تبریزی - خواجه همام الدین بن علائی تبریزی از شعرا و سخنگویان

نامبردار آذربایجانست و در فنون نظم بنصوص در غزل سرائی استادی بکار برده و سبک

سعدی را بخوبی تتبع کرده است. خود نیز لطافت سخن خویش را دریافته و گفته:

همه مرا سخن دلفریب و شیرین است ولی چه سود که بیچاره نیست شیرازی

و در این بیت نظرش بمعاصر بزرگش سعدی است. دیوان غزلیات همام قریب دو هزار

بیت دارد نیز منظومه‌ای موسوم به صحبتنامه بنام خواجه شرف الدین هارون پسر

شمس الدین محمد صاحب دیوانی جوینی که از ادب پروران عهد و همام خدمت آن

بزرگوار ملتزم بود ساخته. همام در غزل تأثیر مهر و صفای قلب عاشق را بزبانی فریبنده

تعبیر میکند و از آن جمله گوید :

چون دیده‌ای که مانند خالی زر و شنائی دانی چگونه باشد از دوستان جدائی

لیکن ز روی جانان مشکل بود جدائی سهلست عاشقان را از جان خود بریدن

گر در میان یاران مهری بود خدائی در دوستی نباید هرگز خلل زدوری

صد بار اگر در آتش آنرا بیازمائی هر ز که خالص آید بر یک عیار باشد

آثار عشق در گل و بلبل نیز پیداست و مردی که آتش مهر در دل او ظهور کرد
از ملامتگران نیندیشد :

بلبلان را همه شب خواب نیاید از بیم
کسه مبادا ببرد بر گک گلی باد نسیم
شب مهتاب و گل و بلبل سرمست بهم
مجلس آن نیست که در خواب رود چشم ندیم
باد را گر خبر از غیرت بلبل بودی
هیچ وقتی نگذشتی ز گلستان از بیم
اثر عشق نگر در همه چیزی ورنی
مرغ را نغمه داور که کردی تعلیم
عشق میورزم و گو خصم ملامت میکند
نه من آورده ام این شیوه که رسم است قدیم
گر نمایم بملامتگر خود صورت دوست

دهد انصاف و کند مسئله با ما تسلیم
از همین مضامین پیداست که همام فقط مضامین معمول و مشهور را اقتباس نکرده
و خود تصرفی نموده مثلاً در غزل فوق مضمون باد و بر گک و گل و بیم بلبل چندان شایع
نیست و شاید از ابتکارات شاعر باشد .

اوحدی مراغه‌ای - رکن الدین اوحدی از شعرای متصوف آذربایجانست
در حدود ۶۷۰ در مراغه تولد یافت. و قسمت مهمی از عمر خود را در اصفهان اقامت
جست از سخنانش پیداست که در علوم دینی و عرفانی غوری و در مسائل اخلاقی و
اجتماعی نظری داشته.

در عرفان به عارف معروف شیخ ابو حامد اوحدالدین کرمانی (متوفی در ۶۳۵)
دست ارادت داده و تخلصش از نام اوست. عمده شهرت اوحدی در دوره سلطنت آخرین
ایلخان یعنی ابوسعید (۷۱۶-۷۳۶) بود و پادشاه و وزیر او غیاث الدین محمد
خواجه رشیدالدین فضل الله را در اشعار خود مدح کرده .